موقعیت‌های متناقض

نگاهی به مجموعه داستان بیچاره آن مرحوم اثر لوئیجی پیراندلو

ادبیات اروپا



طه حسین فراهانی
روزنامه‌نگار

گاهی برای آنکه زندگی مشترک دو نفر به میدان رقابت و کشمکش تبدیل شود، نیازی به حضور شخص سومی نیست؛ حتی لازم نیست پای خیانت یا بی‌وفایی در میان باشد. کافی است خاطره کسی که سال‌ها پیش از دنیا رفته، همچنان در خانه حضور داشته باشد؛ در قاب عکسی که بر دیوار آویخته‌اند، در نامی که هر روز بر زبان می‌آید، در وسایلی که کسی حاضر نیست آنها را جابه‌جا کند و در خاطراتی که بارها و بارها بازگو می‌شوند. در چنین وضعیتی، مردی که با زنی بیوه ازدواج کرده، ممکن است خود را در موقعیتی عجیب ببیند: او با مردی رقابت می‌کند که دیگر زنده نیست، اما گویی هنوز در خانه حضور دارد و حتی از شوهر فعلی نیز صاحب‌اختیارتر است. این موقعیت نامتعارف، دستمایه داستان «بیچاره آن مرحوم» نوشته لوئیجی پیراندلو، نویسنده برجسته ایتالیایی و برنده جایزه نوبل ادبیات، قرار گرفته است؛ داستانی که با طنزی ظریف آغاز می‌شود، اما به‌تدریج لایه‌های پیچیده‌تری از روابط انسانی، حسادت، خاطره و دشواری استقلال فردی را آشکار می‌کند. انتشارات علمی و فرهنگی به تازگی «بیچاره آن مرحوم» را در قالب مجموعه‌ای سه جلدی از آثار لوئیجی پیراندلو با ترجمه فارسی زهرا کیا مشهور به زهرا خانلری (همسر دکتر پرویز ناتل خانلری) منتشر کرده است؛ «انتقام سگ» و «زن مرده زن زنده» دو عنوان دیگر این مجموعه هستند. این داستان‌ها پیش‌تر در قالب یک مجلد و با عنوان «بیست داستان» منتشر شده بودند.

حضور پررنگ گذشته

در آثار پیراندلو، انسان موجودی با هویتی ثابت و تغییرناپذیر نیست. هر فرد ممکن است در نگاه دیگران چهره‌ای متفاوت داشته باشد و در موقعیت‌های گوناگون، با تصویرهای متناقضی از خویشتن روبه‌رو شود. آنچه فرد درباره خود می‌اندیشد، لزوماً با آنچه دیگران از او می‌فهمند یکسان نیست.

از همین‌رو، شخصیت‌های پیراندلو اغلب در موقعیت‌هایی گرفتار می‌شوند که نمی‌توانند به‌آسانی میان واقعیت درونی و تصویری که محیط اجتماعی از آنها ساخته است، سازگاری برقرار کنند. این فاصله، سرچشمه بسیاری از تعارض‌های داستانی اوست. آدم‌های او گاه در برابر دیگران به ایفای نقشی مشغول‌اند که خود انتخاب نکرده‌اند و گاه چنان در عادت‌ها و تصورات گذشته گرفتار می‌شوند که امکان تجربه زندگی تازه را از دست می‌دهند. داستان «بیچاره آن مرحوم» نمونه‌ای روشن از چنین نگاهی است. ماجرا درباره بارتولینو فیورنزو، شیمیدانی کم‌رو، خجالتی و فاقد تجربه کافی در روابط عاطفی است که با زنی بیوه به نام لینا ازدواج می‌کند. در نگاه نخست، این ازدواج می‌تواند آغاز زندگی تازه‌ای برای هر دو نفر باشد. بارتولینو صاحب همسر شده و لینا نیز پس از تجربه ازدواج نخست، فرصت دیگری برای زندگی مشترک یافته است. اما خیلی زود روشن می‌شود که این زندگی تازه، برخلاف تصور مرد جوان، قرار نیست از نقطه صفر آغاز شود. گذشته لینا نه‌تنها از میان نرفته، بلکه در تمام گوشه و کنار زندگی او حضور دارد.

شوهر نخست لینا، کوزیمو تادئی، مهندسی موفق بوده که پس از مرگ، خانه و دارایی خود را برای همسرش به جا گذاشته است. او دیگر در قید حیات نیست، اما یاد و خاطره‌اش همچنان بخش مهمی از زندگی لینا را تشکیل می‌دهد. عکسش بر دیوار خانه قرار دارد، نامش در گفت‌وگوها تکرار می‌شود و بسیاری از وسایل و عادت‌های زندگی روزمره، به دوران حضور او تعلق دارند. حتی نامی که لینا با آن شناخته می‌شود، یادگاری از شوهر پیشین اوست. به این ترتیب، بارتولینو وارد خانه‌ای می‌شود که پیش از ورودش، مرد دیگری آن را ساخته و به نوعی هویت آن را شکل داده است.

مشکل بارتولینو صرفاً این نیست که همسرش هنوز به شوهر سابق خود علاقه دارد؛ مسأله اصلی آن است که او نمی‌تواند جایگاهی مستقل در زندگی مشترک پیدا کند. هر بار که می‌خواهد رابطه‌ای تازه با لینا برقرار کند، نشانه‌ای از گذشته پیش رویش قرار می‌گیرد. گویی او به خانه‌ای وارد شده که همه‌چیز در آن پیشاپیش تعریف شده و برای حضورش جای چندانی باقی نمانده است. در چنین شرایطی، بارتولینو به‌جای آنکه تنها با همسر خود زندگی کند، ناخواسته درگیر رقابت با مردی می‌شود که نه می‌تواند او را ببیند و نه امکان مواجهه مستقیم با او را دارد. گره داستان از همین تناقض سرچشمه می‌گیرد. بارتولینو در حوزه تخصصی خود، شیمی، فردی توانا و صاحب دانش است، اما در زندگی شخصی و عاطفی با درماندگی روبه‌رو می‌شود. او نمی‌تواند به‌سادگی خواسته‌هایش را بیان کند و در برابر رفتارهای لینا واکنشی قاطع نشان دهد. حتی زمانی که می‌کوشد محبت خود را ابراز کند، سایه شوهر پیشین بر رابطه سنگینی می‌کند.



بیچاره آن مرحوم
هشت داستان
- نویسنده: لوئیجی پیراندلو
- مترجم: زهرا خانلری (کیا)
- ناشر: انتشارات علمی و فرهنگی
- تعداد صفحات: ۱۰۲ صفحه
- قیمت: ۴۰۰۰۰۰ تومان

مردی که در زمان حیات خود احتمالاً تصور نمی‌کرد روزی به رقیب همسر دوم زنش تبدیل شود، اکنون پس از مرگ نیز دست از سر این زندگی برنمی‌دارد.

با این حال، پیراندلو در پرداخت این موقعیت به دام یک داستان ساده درباره حسادت زناشویی نمی‌افتد. اگرچه بارتولینو در مواردی رفتاری حسادت‌آمیز دارد، اما نویسنده مسأله را پیچیده‌تر از این حرف‌ها می‌بیند. لینا لزوماً قصد ندارد همسر تازه‌اش را تحقیر کند یا او را با شوهر پیشین مقایسه کند. بسیاری از رفتارهای او از عادت‌هایی ناشی می‌شوند که طی سال‌ها شکل گرفته‌اند و اکنون بدون آنکه خود متوجه باشد، در زندگی جدیدش نیز ادامه پیدا می‌کنند. برای لینا، یادآوری کوزیمو شاید صرفاً بخشی طبیعی از خاطرات زندگی‌اش باشد، اما برای بارتولینو همین یادآوری‌ها به نشانه‌ای از بی‌جایگاهی و نادیده‌گرفته‌شدن تبدیل می‌شوند.

در اینجا نویسنده به یکی از پیچیدگی‌های روابط انسانی اشاره می‌کند: آدم‌ها همیشه از تأثیر رفتارهای خود بر دیگران آگاه نیستند. ممکن است فردی بدون قصد آزار، دیگری را در موقعیتی دشوار قرار دهد. خاطره‌ای که برای یک نفر ارزشمند و آرامش‌بخش است، می‌تواند برای فرد دیگری یادآور محرومیت و ناکامی باشد. گذشته در ذهن هر شخص معنای خاص خود را دارد و ورود یک انسان تازه به زندگی، الزاماً به معنای محو یا بی‌اعتبارشدن آن گذشته نیست. با این همه، زندگی مشترک به فضایی نیاز دارد که در آن هر دو نفر بتوانند هویت و جایگاه خود را پیدا کنند. بارتولینو درست در همین نقطه با مشکل مواجه می‌شود.

فاصله موقعیت بیرونی و احساس درونی

یکی از وجوه جذاب داستان، تبدیل یک موقعیت روزمره به مسأله‌ای عمیق درباره هویت است. بارتولینو می‌خواهد شوهر لینا باشد، اما احساس می‌کند این عنوان از پیش به مرد دیگری تعلق داشته است. او در ظاهر جایگاه قانونی و اجتماعی همسر را به دست آورده، اما در تجربه درونی خود نمی‌تواند آن را به‌طور کامل تصاحب کند. این فاصله میان موقعیت بیرونی و احساس درونی، از همان تناقض‌هایی است که پیراندلو در بسیاری از آثارش به آن توجه دارد. شخصیت ممکن است در چشم دیگران صاحب جایگاه مشخصی باشد، اما در خلوت خود، نسبت به همان جایگاه احساس بیگانگی کند.

عنوان داستان نیز در همین چارچوب معنایی جالب پیدا می‌کند. «بیچاره آن مرحوم» در ظاهر عبارتی آمیخته به دلسوزی برای مردی درگذشته است، اما در متن داستان می‌تواند معنایی دوگانه داشته باشد. از یک سو، کوزیمو مردی است که دیگر در این جهان حضور ندارد و یادش همچنان در خانه زنده است؛ از سوی دیگر، بارتولینو نیز به نوعی گرفتار موقعیتی تأسف‌بار شده است. او زنده است، اما در زندگی مشترک خود احساس می‌کند در سایه مردی مرده قرار گرفته است. طنز پیراندلو از همین جابه‌جایی جایگاه‌ها نیرو می‌گیرد: مرد درگذشته همچنان حضور دارد و مرد زنده نمی‌تواند به‌درستی زندگی کند.

برای فهم بهتر این شیوه داستان‌نویسی، باید به مفهوم طنز در اندیشه پیراندلو توجه کرد. او در رساله «طنز» میان خنده‌ای که از مشاهده یک موقعیت نامتعارف پدید می‌آید و تأملی که پس از آن درباره چرایی آن موقعیت شکل می‌گیرد، تمایز قائل می‌شود. ممکن است در نخستین برخورد، رفتار یک شخصیت مضحک به نظر برسد، اما وقتی درباره شرایط و انگیزه‌های او بیشتر فکر می‌کنیم، وجهی انسانی و حتی دردناک در آن می‌یابیم. به تعبیر دیگر، خنده نخستین می‌تواند با نوعی همدلی و درک عمیق‌تر جایگزین شود.

بارتولینو نیز در آغاز ممکن است شخصیتی دست‌وپاچلفتی و حتی خنده‌دار به نظر برسد. خواننده شاید از ناتوانی او در مواجهه با خاطرات همسرش بخندد، اما با پیشرفت داستان، این خنده به تأملی درباره موقعیت انسانی او تبدیل می‌شود. او خواسته‌ای نامعقول ندارد؛ تنها می‌خواهد در زندگی زنی که با او ازدواج کرده است، جایگاهی واقعی داشته باشد. مسأله این است که راه رسیدن به این خواسته را نمی‌داند و ابزار لازم برای بیان احساسات و نیازهای خود را در اختیار ندارد. از این منظر، داستان نه‌فقط روایت حسادت یک مرد، بلکه تصویر درماندگی انسانی است که می‌خواهد از زیر سایه گذشته بیرون بیاید.

روایت‌هایی از محدودیت‌های انسانی

البته «بیچاره آن مرحوم» تنها داستان این مجموعه نیست. کتاب «بیچاره آن مرحوم» شامل هشت داستان کوتاه است. عنوان کتاب خود یادآور یکی از موضوعات مورد علاقه پیراندلو است: حضور گذشته در زندگی اکنون و تأثیر تصویری که دیگران از یک فرد ساخته‌اند. برزندگی کسانی که هنوز در کنار او هستند. در بسیاری از داستان‌های این مجموعه نیز شخصیت‌ها با شرایطی روبه‌رو می‌شوند که نظم ظاهری زندگی‌شان را برهم می‌زند و آنها را در برابر انتخاب‌ها و موقعیت‌هایی قرار می‌دهد که به‌سادگی نمی‌توان از آنها عبور کرد.



انتشارات علمی و فرهنگی «بیچاره آن مرحوم» را در قالب مجموعه‌ای سه جلدی از آثار لویجی پیراندلو با ترجمه زهرا کیا مشهور به زهرا خانلری (همسر دکتر پرویز ناتل خانلری) منتشر کرده است؛ «انتقام سگ» و «زن مرده زن زنده» دو عنوان دیگر این مجموعه هستند. این داستان‌ها پیش‌تر در قالب یک مجلد و با عنوان «بیست داستان» منتشر شده بودند

در داستان «نه نه و نی نی»، دو کودک مادر خود را از دست داده‌اند و اکنون با ناپدری زندگی می‌کنند. داستان به موقعیتی خانوادگی می‌پردازد که در آن فقدان مادر و شرایط تازه زندگی، جایگاه کودکان را در خانواده تغییر داده است. «چائولا ماه را کشف می‌کند» درباره مردی ساده است که در معدن کار می‌کند و از تاریکی شب می‌ترسد. تقابل میان فضای تاریک معدن و مواجهه او با ماه، زمینه شکل‌گیری موقعیتی متفاوت را فراهم می‌کند. در این داستان، تجربه‌ای ساده و در عین حال شگفت‌انگیز، از نگاه شخصیتی که با جهان پیرامون خود رابطه‌ای متفاوت دارد، روایت می‌شود. در «نمازخانه کوچک»، مردی مذهبی از سوی یکی از ثروتمندان مأمور ساخت نمازخانه‌ای می‌شود. این موقعیت، زمینه‌ای برای پرداختن به مناسبات میان باورهای مذهبی، جایگاه اجتماعی و رفتار انسان‌ها فراهم می‌کند. «پاسخ» داستان پسری است که عاشق دختری بوده، اما پس از نامزدی دختر با مردی پیر، احساس می‌کند شخصیت او تغییر کرده است. این تغییر در نگاه پسر، مسأله فاصله میان تصور عاشقانه از یک انسان و واقعیت وجودی او را پیش می‌کشد. در «دو و دو = شش»، دو دوست که قصد ازدواج ندارند، در مسیری از زندگی قرار می‌گیرند که سرانجام آنها را به سوی تأمل می‌کشاند. پیراندلو در چنین موقعیت‌هایی نشان می‌دهد که تصمیم‌ها و تصورات اولیه آدم‌ها همیشه تعیین‌کننده مسیر نهایی زندگی آنها نیستند.

«لباس نو» داستان مردی است که همسر بدنامش درگذشته و از او ارث زیادی به مرد رسیده است. تغییر شرایط مالی و اجتماعی مرد پس از مرگ همسر، موقعیتی فراهم می‌کند که می‌توان آن را از منظر روابط انسانی، قضاوت اجتماعی و دگرگونی جایگاه افراد بررسی کرد. آخرین داستان این مجموعه، «گربه، پرنده، ستارگان» است. در این داستان با پیرمرد و پیرزنی روبه‌رو می‌شویم که پس از مرگ نوه‌شان، دلبستگی ویژه‌ای به سهره خود پیدا کرده‌اند. فقدان و تنهایی در این داستان، در قالب رابطه انسان‌های سالخورده با پرنده‌ای کوچک جلوه‌گر می‌شود. این داستان نیز مانند بسیاری از آثار پیراندلو، از یک اتفاق ساده و ملموس برای نزدیک شدن به تجربه‌های عاطفی عمیق‌تر انسان استفاده می‌کند.

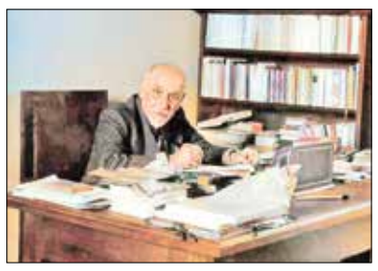
آنچه این داستان‌ها را کنار هم قرار می‌دهد، بیش از هر چیز نگاه خاص نویسنده به انسان و موقعیت‌های متناقض زندگی است. پیراندلو در داستان‌های کوتاهش نیز مانند نمایشنامه‌هایش، به شکاف میان آنچه آدم‌ها هستند و آنچه دیگران تصور می‌کنند، توجه نشان می‌دهد. داستان کوتاه برای نویسنده‌ای با ویژگی‌های پیراندلو امکان مناسبی فراهم می‌کند تا یک موقعیت محدود را با دقت و تمرکز بپروراند. او معمولاً برای آشکارکردن تناقض‌های انسانی به حوادث بزرگ و پیچیده نیاز ندارد. گاهی یک گفت‌وگوی ساده، یک رفتار تکراری، یک خاطره یا حتی یک شیء معمولی کافی است تا زندگی شخصیتی را از مسیر عادی خود خارج کند. در «بیچاره آن مرحوم» نیز یک عکس، یک نام و مجموعه‌ای از خاطرات، به عناصر اصلی تعارض تبدیل می‌شوند. این اشیا و یادگارها در ظاهر بی‌جان‌اند، اما در ذهن شخصیت‌ها قدرتی دارند که می‌توانند روابط زنده را تحت تأثیر قرار دهند.

از این نظر، داستان‌های پیراندلو را می‌توان مطالعه‌ای درباره محدودیت‌های انسان در برابر واقعیت‌های ساخته‌شده دانست. انسان‌ها تنها با جهان بیرونی زندگی نمی‌کنند؛ آنها در میان خاطرات، تصورات، داوری‌ها و نقش‌هایی نیز گرفتارند که به‌مرور در ذهن خود و دیگران شکل گرفته‌اند. گاه همین تصویرها از واقعیت بیرونی نیرومندتر می‌شوند. فرد ممکن است بخواهد از گذشته فاصله بگیرد، اما گذشته در قالب عادت‌ها و خاطرات دیگران به زندگی او بازگردد. بارتولینو نمونه‌ای از چنین انسانی است؛ کسی که برای ساختن زندگی تازه، ناچار است با بقایای زندگی پیشین همسرش کنار بیاید.

راوی اضطراب پنهان زندگی

لوئیجی پیراندلو، ۲۸ ژوئن ۱۸۶۷ در سیسیل ایتالیا به دنیا آمد و ۱۰ دسامبر ۱۹۳۶ درگذشت. او از مهم‌ترین نویسندگان و نمایشنامه‌نویسان ایتالیایی قرن بیستم به شمار می‌رود.

پیراندلو در خانواده‌ای مرفه و در محیط فرهنگی سیسیل پرورش یافت. پدرش بازرگان گوگرد بود و انتظار داشت پسرش نیز راه او را ادامه دهد، اما علاقه لوئیجی به ادبیات و تحصیل، مسیر دیگری برای او رقم زد. او در سال ۱۸۸۷ وارد دانشگاه رم شد و سپس برای ادامه تحصیل به آلمان رفت. پیراندلو در دانشگاه «بن» به تحصیل پرداخت و رساله دکترای خود را درباره گویش سیسیلی نوشت؛ موضوعی که نشان‌دهنده علاقه او به زبان، فرهنگ بومی و ویژگی‌های زبانی زادگاهش بود. آشنایی با زبان و فرهنگ سیسیل بعدها در بسیاری از آثارش بازتاب یافت و به شخصیت‌ها و موقعیت‌های داستانی او رنگ و بویی خاص بخشید. نخستین تجربه ادبی پیراندلو با ترجمه «مراثی رم» گوته همراه بود. او پس از آشنایی با لوئیجی کاپوانا، نویسنده سیسیلی و از چهره‌های مهم ناتورالیسم ایتالیا، توجه بیشتری به داستان‌نویسی پیدا کرد. در سال ۱۸۹۳ نخستین رمان خود، «مطرود» را نوشت و به‌تدریج در مسیر ادبیات داستانی و نمایشنامه‌نویسی جایگاهی مستقل یافت. با وجود فعالیت‌های ادبی، شهرت عمومی او تا سال‌ها چندان گسترده نبود. اما نمایشنامه «شش شخصیت در جست‌وجوی نویسنده» نقطه عطفی در زندگی حرفه‌ای او شد و نامش را در محافل ادبی و نمایشی اروپا بر سر زبان‌ها انداخت.



با این حال، اهمیت ادبی پیراندلو به نمایشنامه محدود نیست و سال ۱۹۳۴، دو سال پیش از مرگش، به پاس نوآوری‌های ادبی و تأثیرگذاری آثارش برنده جایزه نوبل ادبیات شد.

پیراندلو در داستان‌های کوتاه و رمان‌هایش، جهانی آفریده که در آن هویت انسان، حقیقت، ظاهر و باطن، نقش‌های اجتماعی و برداشت دیگران از شخصیت افراد پیوسته در معرض پرسش قرار می‌گیرند.

او نویسنده موقعیت‌هایی است که در نگاه نخست عادی و حتی خنده‌دار به نظر می‌رسند، اما با اندکی تأمل، تناقض‌ها و اضطراب‌های پنهان زندگی را نمایان می‌کنند.

در جهان داستانی پیراندلو، واقعیت همیشه آن چیزی نیست که در نگاه نخست به نظر می‌رسد. پیراندلو در داستان‌های کوتاهش به سراغ موقعیت‌هایی می‌رود که شاید در ظاهر چندان متفاوت از تجربه‌های معمول زندگی نباشند؛ یک اختلاف همسایگی، یک ازدواج و... اما همین موقعیت‌های آشنا در دست او شکل دیگری پیدا می‌کنند. شخصیت‌ها در برابر اتفاقات کوچک واکنش‌هایی نشان می‌دهند که گاه با منطق متعارف سازگار نیست و همین واکنش‌ها زمینه‌ساز طنزی می‌شود که در پس آن، پرسش‌هایی جدی درباره اخلاق، عدالت، هویت، عشق، تنهایی و روابط انسانی قرار دارد.

آنچه سه کتاب «انتقام سگ»، «بیچاره آن مرحوم» و «زن مرده زن زنده» را در کنار یکدیگر خواندنی می‌کند، تنوع موقعیت‌ها و شخصیت‌هایی است که پیراندلو برای روایت داستان‌هایش انتخاب کرده است. در این داستان‌ها خبری از قهرمانان دست‌نیافتنی و اتفاقات دور از زندگی معمول نیست. شخصیت‌ها از میان مردم عادی انتخاب شده‌اند؛ کسانی که درگیر مسائل خانوادگی، مشکلات اقتصادی، اختلافات اجتماعی، روابط عاطفی و اتفاقات پیش‌بینی نشده زندگی هستند.

با این حال، پیراندلو به بازگویی ساده این اتفاقات بسنده نمی‌کند. او در پس هر موقعیت، تناقضی را آشکار می‌کند؛ گاهی تناقض میان تصور انسان از خودش و تصویری که دیگران از او دارند، گاهی فاصله میان آنچه فرد می‌خواهد و آنچه زندگی برایش رقم می‌زند و گاهی تعارض میان داوری اخلاقی و رفتار واقعی آدم‌ها. طنز پیراندلو نیز از همین فاصله‌ها شکل می‌گیرد. خواننده ممکن است در آغاز با موقعیتی خنده‌آور روبه‌رو شود، اما به‌تدریج درمی‌یابد که پشت این خنده، مسأله‌ای جدی درباره زندگی انسان پنهان شده است. او از یک سگ، یک خانه، یک ازدواج، یک پرنده یا حتی یک شغل، دریچه‌ای برای مشاهده روابط پیچیده انسانی می‌سازد.



این سه مجموعه در کنار یکدیگر تصویری متنوع از توانایی پیراندلو در داستان‌نویسی ارائه می‌کنند. در مجموع بیست روایت کوتاه را پیش روی خواننده قرار می‌دهند؛ روایت‌هایی که هر کدام دریچه‌ای مستقل به جهان نویسنده می‌گشایند. برای خواننده‌ای که می‌خواهد با آثار لوئیجی پیراندلو آشنا شود، این کتاب‌ها فرصتی فراهم می‌کنند تا بدون ورود به روایت‌های بلند، با شیوه نگاه و جهان‌بینی یکی از مهم‌ترین نویسندگان ادبیات ایتالیا آشنا شود. پیراندلو در این داستان‌ها به ما یادآوری می‌کند زندگی، برخلاف ظاهر ساده و آشنایش، سرشار از موقعیت‌های متناقض است و آدم‌ها همیشه آن‌گونه نیستند که خود یا دیگران تصور می‌کنند. شاید همین ویژگی است که داستان‌های او را پس از گذشت سال‌ها همچنان خواندنی و تأمل‌برانگیز نگه می‌دارد.

رویدادهای معمولی آشوبناک

«انتقام سگ» گزیده‌ای از پنج داستان کوتاه لوئیجی پیراندلو است. این پنج داستان را نیز بهتر است بخشی از همان آزمایشگاه داستانی نویسنده بدانیم؛ موقعیت‌هایی ظاهراً معمولی که پیراندلو در آنها نسبت میان واقعیت و برداشت انسان از واقعیت، هویت و نقش اجتماعی، شفقت و خشونت و فاصله میان آنچه آدم‌ها هستند و آنچه درباره خود تصور می‌کنند به هم می‌ریزد.

داستان «انتقام سگ» که عنوان کتاب از آن گرفته شده، نمونه‌ای روشن از نگاه انتقادی و طنزآمیز پیراندلو به روابط انسانی و اجتماعی است. در این داستان، جاکوناکا صاحب زمینی در نزدیکی شهر است. ورود یک سگ به ماجرا و رفتار خشن صاحب آن، آرامش ساکنان اطراف را برهم می‌زند. ماجرا به‌تدریج به مسأله‌ای پیچیده میان ساکنان محله تبدیل می‌شود و مرز میان قربانی و مقصر، ترحم و مجازات و عدالت و انتقام را زیر سؤال می‌برد. پیراندلو از همین موقعیت روزمره، طنزی تلخ درباره مفهوم عدالت و مسئولیت می‌سازد. پرسش اصلی این است که برای پایان دادن به رنج و مزاحمت، آیا باید حیوان را قربانی کرد یا مسئولیت اصلی متوجه انسانی است که حیوان را در چنین شرایطی قرار داده است؟ اهمیت داستان در این است که نویسنده به پاسخی ساده و قطعی رضایت نمی‌دهد. شخصیت‌ها میان خشم، دلسوزی، ترس و میل به اجرای عدالت گرفتار می‌شوند و تصمیمی که در ابتدا ساده به نظر می‌رسد، پیامدهایی پیچیده پیدا می‌کند. این داستان نخستین بار در سال ۱۹۱۳ منتشر شد و بعدها در مجموعه داستان‌های پیراندلو قرار گرفت.



انتقام سگ
پنج داستان
- نویسنده: لوئیجی پیراندلو
- مترجم: زهرا خانلری (کیا)
- ناشر: انتشارات علمی و فرهنگی
- تعداد صفحات: ۱۱۳ صفحه
- قیمت: ۴۰۰۰۰۰ تومان

چهار داستان دیگر این مجموعه نیز هرکدام موقعیتی مستقل و متفاوت دارند. در «سه اندیشه دخترک گوژپشت»، با دخترکی گوژپشت روبه‌رو می‌شویم که پسر همسایه به او نگاه می‌کند. در «خانه افسون‌زده»، مستأجران خانه به دلیل اعتقاد به وجود جن و نیروهای ماورایی، تصمیم می‌گیرند قرارداد اجاره را فسخ کنند. در این داستان، باورهای شخصیت‌ها و ترس آنها از محیط زندگی، زمینه شکل‌گیری موقعیتی غیرمعمول را فراهم می‌کند. «روسری سیاه» داستان زنی است که تمام جوانی خود را وقف برادرش کرده است؛ اما در میانسالی، مردی به او نزدیک می‌شود و شرایط زندگی‌اش را دستخوش تغییری تازه می‌کند. «شب عروسی» نیز به شبی می‌پردازد که برای بسیاری از آدم‌ها نقطه عطفی در زندگی زناشویی به شمار می‌آید. کنار هم قرار گرفتن این پنج داستان، مجموعه‌ای متنوع از موقعیت‌های انسانی را شکل می‌دهد که در آنها روابط خانوادگی، همسایگی، عاطفه و قضاوت اجتماعی به شیوه خاص پیراندلو به تصویر کشیده می‌شوند.

نمایش پیچیدگی رفتار

مجموعه «زن مرده زن زنده» شامل هفت داستان کوتاه است. در این کتاب نیز پیراندلو سراغ موقعیت‌هایی می‌رود که در آنها زندگی شخصیت‌ها بر اثر اتفاقی پیش‌بینی‌نشده تغییر می‌کند. مرگ، دوستی، کار، عشق، ازدواج و مناسبات اجتماعی از جمله موضوعاتی هستند که در داستان‌های این مجموعه حضور دارند.

«کدام یک است؟» با موقعیت پسری آغاز می‌شود که شاهد خودکشی مردی است. این اتفاق، نقطه شروع داستانی است که عنوان پرسش برانگیزش نیز توجه خواننده را به مسأله شناخت و تشخیص جلب می‌کند. در داستان «دود»، مردی که از دست دوست نابکارش فرار می‌کند، به کشاورزی و مزرعه‌داری روی می‌آورد. او تصمیم دارد به هر شکل ممکن مزرعه همسایه را نیز بخرد. میل به مالکیت و گسترش دارایی، در کنار تجربه ناخوشایند گذشته، موقعیتی برای نمایش پیچیدگی خواسته‌ها و رفتارهای انسانی ایجاد می‌کند. داستان «زن مرده زن زنده» درباره مردی است که تصور می‌کند همسرش مرده است و در ادامه با خواهر او ازدواج می‌کند. اما همین موقعیت، زمینه شکل‌گیری تناقضی جالب را میان تصور شخصیت از واقعیت و آنچه در زندگی اتفاق می‌افتد، فراهم می‌کند. عنوان داستان نیز به‌خوبی توجه خواننده را به مسأله مرز میان مرگ و زندگی و پیامدهای یک باور نادرست جلب می‌کند. در «سکته ناقص»، مردی با این پرسش روبه‌روست که چرا دوستش پس از سکته ناقص و فلج شدن، دست به خودکشی نمی‌زند. موضوع داستان، از همین پرسش آغاز می‌شود و خواننده را با نوع نگاه شخصیت به زندگی، ناتوانی و ادامه حیات روبه‌رو می‌کند.



زن مرده زن زنده
هفت داستان
- نویسنده: لویجی پیراندلو
- مترجم: زهرا خانلری (کیا)
- ناشر: انتشارات علمی و فرهنگی
- تعداد صفحات: ۱۵۵ صفحه
- قیمت: ۴۵۰۰۰۰ تومان

«پالینو و می‌می» داستان سگی است که دم ندارد و صاحبانش او را از خانه بیرون می‌کنند. این موقعیت ساده، بار دیگر فرصتی برای توجه به رفتار انسان‌ها با حیوانات و نحوه مواجهه آنها با موجودی را فراهم می‌کند که به دلیل تفاوت ظاهری، از پذیرش و محبت صاحبانش محروم شده است. در «گل سرخ»، زنی بیوه به شهری می‌رود تا در اداره پست کار کند. مردان بسیاری خواهان ازدواج با او هستند و همین مسأله، شرایط اجتماعی و عاطفی تازه‌ای برای شخصیت اصلی به وجود می‌آورد. داستان به موقعیت زنی می‌پردازد که در محیطی تازه قرار گرفته و توجه دیگران به او، بخشی از تجربه زندگی‌اش را شکل می‌دهد. آخرین داستان مجموعه، «سرگرمی» نام دارد. شخصیت اصلی مردی است که پس از ازدست دادن شغل‌های قبلی خود، اکنون نعش‌کش شده است. تغییر پی‌درپی موقعیت شغلی و رسیدن به کاری که با مرگ و تشییع مردگان ارتباط دارد، از همان موقعیت‌هایی است که پیراندلو می‌تواند با نگاهی طنزآمیز و انتقادی به آنها بپردازد.